حال نامساعد ورزش و فدراسیون‌های بلاتکلیف

بلبشـــو!

گزارش
محسن آجرلو

ورزش ایران حال و روز چندان خوشی ندارد. نگاهی کوتاه و در سطح کلان به ورزش کشور نشان می‌دهد که رشته‌ها و فدراسیون‌های زیادی درگیر معضلات بزرگ و حتی بین‌المللی هستند که نیازمند ورود جدی مسئولان رده بالای ورزش کشور است. از بحث‌های آیین‌نامه‌ای و اساسنامه‌ای گرفته تا بلاتکلیفی‌های بزرگ و بغرنج که گریبان بسیاری از رشته‌ها را گرفته و آنها را در یک بلاتکلیفی بزرگ درگیر کرده است.

با بررسی همه مشکلات موجود، این طور به نظر می‌رسد که حلقه مفقوده بزرگ و اساسی این ماجرا، گرفته شدن زمام امور توسط یک نهاد بالادستی قدرتمند و مقتدر است که بتواند مشکلات را یکی یکی و با اتخاذ تصمیم‌های درست و منطقی حل کند. مشکلاتی که بخش اعظم آنها به خاطر همین سوءمدیریت ایجاد شده و البته که تعدادی از آنها به دولت قبل برمی‌گردد. جایی که کم توجهی به برخی مسائل مهم و اساسی و درگیر شدن با خرده مشکل‌ها، چندین و چند رشته را به وادی‌هایی کشانده که حالا پای نهادهای بین‌المللی هم به طور کامل به میان ماجرا کشیده شده و حل شدن آنها را دشوارتر کرده است.

متولیان اصلی ورزش کشور این روزها با دوجین فدراسیون مواجه‌اند که هر کدام معضلات پیچیده و خاص خودشان را دارند. از ماجرای اساسنامه پنهانی ژیمناستیک و دوچرخه‌سواری که فدراسیون‌های جهانی این دو رشته هم آن را تأیید کرده‌اند تا ماجرای عجیب انتخابات سوارکاری. از مشکل بزرگ، بغرنج و پیچیده کاراته گرفته تا موضوع کشدار و ناخوشایند وزنه‌برداری که این رشته‌های مهم را در شرایطی قرار داده که هر روز لطمه‌های زیادی به بدنه آنها وارد می‌شود. به همه اینها اضافه کنید مشکلات واضح و آشکار فوتبال در ترتیب دادن یک بازی تدارکاتی. رشته‌ای که در آستانه جام جهانی هنوز درگیر بحث سرمربی و در دوراهی ماندن یا نماندن اسکوچیچ قرار دارد و در حال تبدیل کردن فرصت مغتنم جام جهانی به یک تهدید بزرگ است!

داستان‌های عجیب و غریب انتخابات کمیته ملی المپیک هم که دیگر جای خودش را دارد و دیگر کسی در بدنه ورزش نیست که از حواشی آن بی‌خبر مانده باشد. متأخرترین مشکل هم شاید مربوط به ووشو باشد که البته هنوز علنی نشده اما دریس پرده کشمکش‌ها آغاز شده و عنقریب است که این رشته هم درگیر مشکلاتی نظیر ژیمناستیک یا دوچرخه‌سواری شود.

در این پرونده یک صفحه‌ای سعی کرده‌ایم به همین رشته‌ها بپردازیم. رشته‌هایی که بخش اعظم مشکلاتشان خارج از فضای رشته و فدراسیون قابل حل بوده و نیازمند کمک نهادهای بالادستی و مدیریت قوی و کارآمد است.

کاراته مظلوم!

کاراته مظلوم‌ترین رشته ورزشی ایران در این روزها است. رشته‌ای پرافتخار و درخشان در مسابقات جهانی که طلای المپیک را هم به دست آورد اما حالا دایره فعالیتش فقط به مسابقات قاره‌ای ختم می‌شود.

هنوز هیچ کس به طور دقیق در این باره حرفی نزده اما واقعیت این است که عملاً کاراته نمی‌تواند در مسابقات قهرمانی جهان حضور داشته باشد و در این چند سال اخیر بارها سفرهای این تیم به مسابقات جهانی و لیگ‌های جهانی لغو شده است. مسابقات داخلی برگزار می‌شود، کاراته‌کاها در اردوی تیم ملی حضور پیدا می‌کنند و کادرفنی تیم ملی هم انتخابی را برگزار می‌کند اما همه اینها برای حضور در مسابقات قاره‌ای است و تیم نمی‌تواند در قهرمانی جهان یا لیگ‌های جهانی حضور داشته باشد. این بدترین اتفاقی است که برای یک رشته رخ می‌دهد و به مرور آسیب‌های زیادی به این رشته می‌زند؛ رشته‌ای که در دنیا سرآمد است و قهرمانان زیادی در سال‌های اخیر در سطح جهان از کاراته ایران حضور داشته‌اند. همیشه فدراسیون جهانی حساب ویژه‌ای روی کاراته ایران باز کرده اما حالا یک قرعه نحس باعث شده این تیم شانس حضور در مسابقات قهرمانی جهان و لیگ‌های جهانی را از دست بدهد.

حالا فقط حضور در مسابقات قاره‌ای نمی‌تواند برای قهرمانانی که حتی شانس حضور در المپیک را به دست آوردند و مدال طلای این بازی‌ها را هم کسب کردند، راضی کننده باشد. عجیب‌تر اینکه چهره‌های جهانی این رشته به حال خود رها شده‌اند و کسی نمی‌تواند پاسخ قانع‌کننده‌ای به این قهرمانان بدهد که چه شد این رشته به این روز افتاد. در چنین وضعیتی باید منتظر افول کاراته ایران در سال‌های آینده باشیم. قهرمانان جهانی کاراته حال و روز خوبی به خاطر این اتفاقات ندارند و در چنین وضعیتی آنها الگوی خوبی برای نوجوانان نخواهند بود، چرا که وقتی آنها سرنوشت این قهرمانان را ببینند حتماً دلسرد می‌شوند.

سئول، دور از آرامش

چه کسی است که نداند در دل کمیته ملی المپیک چه می‌گذرد. زمین و زمان به هم دوخته شده‌اند تا انتخابات این کمیته عقب بیفتد و عجیب است که بر این روند نظارتی نمی‌شود. انگار که این بخش مهم ورزش خیلی دغدغه نیست. هر بار به دلایلی انتخابات عقب افتاده و کسی نبوده که بپرسد چرا؟ طبق اساسنامه، مجمع کمیته ملی المپیک نهاد نظارت‌کننده بر عملکرد مدیریت کمیته ملی المپیک است اما از آذرماه تا به امروز روندی طی شده که نشان می‌دهد، مجمع کمیته هم خیلی کارش را بلد نیست. اگر هم بلد است، اراده‌ای برای رعایت قانون ندارد. در این شرایط نیاز است نهادی بالاتر حداقل در حد توصیه قدم‌هایی بردارد و بر برگزاری انتخابات تأکید کند. قرار بر دخالت نیست اما مسئولان مربوطه باید حداقل نشان دهند که تعیین تکلیف این نهاد مهم ورزش برایشان اهمیت دارد و حواس‌شان است در کمیته ملی المپیک چه اتفاق‌هایی دارد می‌افتد. جور کردن بهانه‌های پی‌درپی برای به تعویق انداختن انتخابات کمیته ملی المپیک با این امید که شاید فرجی شود و فرصت حضور در رقابت انتخاباتی برای عده‌ای فراهم شود، آنقدر شفاف است که نیازی به سند و برهان ندارد. اما گویا این کمیته و تأثیراتی که شرایط امروزش بر حال و هوای ورزش می‌گذارد، خیلی دغدغه به حساب نمی‌آید. یکی از تبعات برگزار نشدن انتخابات، طرح نام‌های مختلف است و حواشی که این افراد برای هم درست می‌کنند. همین می‌شود که اوضاع ورزش به هم می‌ریزد و در این شرایط تنها چیزی که اهمیت ندارد، ورزش قهرمانی است و کمک به حل مشکلات فدراسیون‌ها. اگر هم قدمی برداشته می‌شود، در راستای انتخابات است، پس کاش پیش از هرکاری شرایطی فراهم می‌شد که انتخابات کمیته ملی المپیک برگزار شود، شاید این نهاد و افراد مرتبط با آن، کمی آرامش داشته باشند.

بلاتکلیفی خودخواسته

ظاهراً قرار است هر روز بر تعداد فدراسیون‌هایی که اوضاع به هم ریخته‌ای دارند، به صورت خودخواسته اضافه شود. در ماده ۲۲ اساسنامه فعلی فدراسیون‌ها عنوان شده که هر رئیس فدراسیون بیشتر از سه دوره نمی‌تواند رئیس باشد، مگر اینکه پست مهمی در فدراسیون جهانی و آسیایی داشته باشد. این پست هم به این ترتیب در اساسنامه تعریف شده است: «در صورتی که رئیس فدراسیون، یکی از اعضای هیأت رئیسه جهانی یا رئیس، نایب رئیس و دبیرکل کنفدراسیون‌های آسیایی باشد، انتخاب مجدد وی تا زمان تصدی پست‌های مورد اشاره بیش از سه دوره بلامانع است.» این قانون کاملاً شفاف است و با استناد به همین بند، تعدادی از رؤسای فدراسیون‌ها که سومین دوره مدیریت خود را پشت سر می‌گذارند، باید در انتخاباتی که امسال پیش رو دارند، جای خود را به فرد دیگری بدهند اما انگار خیلی تمایلی به این کار ندارند. فضل‌الله باقرزاده، سرپرست فعلی فدراسیون شمشیربازی و محمد علیپور، رئیس فدراسیون انجمن‌های ورزشی، دو مدیری هستند که سومین دوره ریاست خود را پشت سر می‌گذارند. این دو فرد، پست مهمی در نهادهای بین‌المللی خود ندارند و در نتیجه راهی برای ماندن پیش رویشان نیست اما گویا برای حفظ شان قرار است راهی ساخته شود. یکی از تحلیل‌هایی که این روزها مطرح شده، این است که «قانون عطف به ماسبق نمی‌شود». همین استدلال بحث اصلاح بند ۲۲ اساسنامه را روی میز مسئولان وزارتی گذاشته و عده‌ای به دنبال گرفتن مجوزی برای ادامه حضور مدیران با سابقه ۱۲ سال ریاست فدراسیون هستند. این عده می‌گویند: «چون قانون عطف به ماسبق نمی‌شود، نباید دو دوره قبلی این مدیران جزو سوابق شان لحاظ شود.» طرفداران ادامه حضور این مدیران با این استدلال به دنبال عقب انداختن انتخابات فدراسیون‌هایی مثل شمشیربازی هستند که اگر قرار بر این کار باشد، باید گفت تعدادی فدراسیون دیگر هم به فدراسیون‌های بلاتکلیف اضافه می‌شود. مگر اینکه وزارت ورزش حکم به برگزاری مجامع انتخاباتی این فدراسیون‌ها دهد، بدون اینکه تغییری در اساسنامه صورت گیرد. چرا که تغییر همین یک بند اساسنامه هم ماجراهای خاص خود را دارد و بسیار زمان‌بر است.

بدعت خطرناک

در میان همه حواشی موجود در فدراسیون‌های ورزشی، ماجرای انتخابات فدراسیون سوارکاری شاید تافته جدا بافته باشد. اتفاقی که واضح است همین حالا زنگ خطر را برای وزارت ورزش به صدا درآورده و متولی اصلی ورزش کشور را به تکاپو انداخته تا با همه توان در مقابل این بدعت خطرناک بایستد.

خلیلی و همراهانش در شرایطی انتخابات فدراسیون سوارکاری را برگزار کردند که وزارت ورزش به صراحت بر تعویق و برگزار نشدن آن تأکید کرده بود. یک روز مانده به برگزاری این انتخابات بود که وزارت ورزش با استناد به اعتراض برخی نامزدها، اعلام کرد که این انتخابات به جای ۲۱ خرداد، باید با ۱۰ روز تأخیر و در روز ۳۱ خرداد برگزار شود. اطلاعیه‌ای که با توجه به اساسنامه جدید و اختیارتام مجمع و هیأت رئیسه درباره تصمیم‌گیری درباره تعویق انتخابات، از سوی فدراسیون نادیده گرفته شد و مجمع انتخاباتی سوارکاری همان روز ۲۱ خرداد و بدون حضور نماینده وزارت ورزش و جوانان برگزار شد. اتفاقی که اگرچه بر طبق اساسنامه جدید فدراسیون‌هاست اما اتفاق خطرناکی برای وزارت ورزش و مدیریت کلان در ورزش کشور به حساب می‌آید. حالا هم کار به تحقیق و تفحص از این فدراسیون کشیده و روندی آغاز شده که بعید است به این سادگی‌ها ختم بخیر شود. ورزش ایران از این دست ماجراهای کشدار کم به خودش ندیده که در اغلب آنها دود اصلی به چشم آن ورزش رفته است. در ماجرای سوارکاری هم اگرچه با یک رشته بی‌سر و صدا و بدون فعالیتی برجسته طرف هستیم اما در هر صورت نیاز است تا مدیریت صحیح و درستی با اتفاقی که افتاده صورت گیرد تا کمترین آسیب به این رشته و حتی ورزش ایران برسد.

ژیمناستیک و تبعات اختلاف مدیران قبلی!

اختلاف‌های داخلی هر نتیجه‌ای که داشته باشد، چیزی جز شکست در پی ندارد. چیزی شبیه به اختلافی که در دوران دولت قبل بین وزارت ورزش و رئیس فدراسیون ژیمناستیک آغاز شد و تبعات آن همچنان ادامه دارد. ماجرای اختلاف بین زهرا اینچه درگاهی در دوران وزارت سلطانی‌فر، آنقدر بالا گرفت که کار به بستن حساب‌های فدراسیون و از کار انداختن اتوماسیون اداری این فدراسیون کشید. تصمیم بر این بود که یکی از معدود رئیسان زن فدراسیون‌های ایران، استعفا دهد و اینچه درگاهی هم تا پایان دوران چهارساله خود در مقابل این فشار مقاومت کرد.

اینچه درگاهی در روزهایی که این دعوا آنقدرها هم بالا نگرفته بود، اساسنامه‌ای را بدون اطلاع و گرفتن تأییدیه‌های داخلی، به فدراسیون جهانی فرستاد و تصویب این نهاد بین‌المللی را هم گرفت. اساسنامه‌ای که حالا علی‌رغم کنار رفتن او از اداره ژیمناستیک با سرپرست به قوت خود باقی است و این رشته را در یک سردرگمی و بلاتکلیفی عجیب فرو برده است.

اساسنامه این فدراسیون از یک طرف تأیید فدراسیون جهانی را گرفته و طبق روال این نهادهای بین‌المللی، دخالت دولت به صراحت در آن نفی شده است. بندی که به هیچ وجه جایی در دیگر اساسنامه‌ها ندارد و حالا محل اختلافی بزرگ است. دعوایی که شاید بیش از دو سال پیش بین فدراسیون و وزارت وقت ایجاد شده، حتی با تغییر دولت و کنار رفتن رئیس قبلی هم همچنان برای این رشته مشکلات زیادی را ایجاد کرده که به این سادگی‌ها رفع و رجوع نمی‌شود.

کلاف پیچیده دوچرخه‌سواری

مشکلات پیچیده فدراسیون دوچرخه‌سواری (که بخش اعظم آن به نهادهای بین‌المللی مربوط می‌شود) خودش به تنهایی یک مثنوی هفتاد من نیاز دارد. رشته‌ای که طی یک سال و چند ماه گذشته علاوه بر شرایط نه چندان مساعدش در بحث فنی، درگیر مشکلات اساسی در بحث بین‌المللی شده و حالا تبدیل به کلاف سردرگمی شده که باز کردنش به تدبیر اساسی نیاز دارد. مشکلات گسترده دوچرخه‌سواری همگی به دوران مدیریت خسرو قمری برمی‌گردد. مدیری که فدراسیون جهانی او را آشکارا به ترتیب دادن دوپینگ سازمان‌یافته متهم کرده و پس از هشدارهای بسیار، چهار سال محرومیت برایش در نظر گرفت. قمری در همان دوران و پیش از محرومیت چهارساله‌اش، اساسنامه‌ای را هم برای تأیید به فدراسیون جهانی فرستاد که به دلیل همین اتهام‌ها رد شد تا مشکلات بزرگ این رشته کلید بخورد.

با فشارهای فدراسیون جهانی و محرومیت قمری، نوبت به انتخابات این فدراسیون رسید. انتخاباتی که اگرچه برگزار شد اما با توجه به تأیید نشدن اساسنامه، فدراسیون جهانی آن را رد کرده و رئیس آن را غیرقانونی دانست.

Ucl حالا تمرکز اصلی خود را بر ماجرای دوپینگ گذاشته و از ایران ضمانتی می‌خواهد که دیگر شاهد دوپینگ و اقدامات سازمان یافته نباشد. علاوه بر اینها با توجه به اتفاقات انتخابات این فدراسیون، بحث دخالت دولت در این رشته هم به طور جدی مطرح بوده و جزو دغدغه‌های این نهاد بین‌المللی به حساب می‌آید. تصمیم‌های بحث‌برانگیز در دوچرخه‌سواری یکی دو تا نبوده و در یکی از عجیب‌ترین‌ها، ورزشکار دوپینگی و محروم را وارد کادرفنی تیم می‌کرده‌اند؛ تصمیمی که بخش عمده‌ای از مشکلات بین‌المللی موجود را کلید زد و حالا شرایط این رشته را در پیچیده‌ترین حالت ممکن قرار داده است؛ وضع بغرنجی که حتی جلسات صالحی امیری در حاشیه المپیک توکیو هم نتوانست از پیچیدگی آن بکاهد و این رشته المپیکی را همچنان پا در هوا نگه داشته است.

حرکت پرشتاب وزنه‌برداری به سمت فروپاشی

بلاتکلیف و بی‌هدف!

گزارش
رضا عباسپور

وزنه‌برداری ایران به همراه کشتی همواره از ابتدای شروع ورزش حرفه‌ای در ایران، جزو پرافتخارترین رشته‌های ورزشی بودند. رشته‌ای پرطرفدار و مدال‌آور در بین فدراسیون‌های ورزشی که این روزها البته به واسطه بلاتکلیفی و سوءمدیریت حاکم بر این مجموعه، خیلی تند و پرشتاب در مسیری که انتهایش به پرتگاه تباهی ختم می‌شود حرکت می‌کند. حرکتی که هیچ مانع و ترمزی هم برای مهار و کنترلش از سوی سیستم بالادستی تا به امروز احساس و رؤیت نشده است.

ساختار به هم ریخته، مدیریت ناکارآمد

هیچ دوره‌ای مثل حالا، وزنه‌برداری از نظر سیستم مدیریتی و ساختار سازمانی اینقدر به هم ریخته و ناکارآمد نبوده است. شرایط این روزهای وزنه‌برداری به قدری بحرانی و ناامیدکننده است که اگر با همین فرمان پیش برویم، هر لحظه باید منتظر فروپاشی و نابودی این مجموعه در داخل و سیستم بین‌المللی باشیم. دلیل این هرج و مرج و ضعف محسوس مدیریتی نیز رها شدن این مجموعه از سوی تصمیم‌سازان بالادستی به حال خود است. قطعاً اگر ۶، ۷ ماه پیش (زمانی که حکم بازنشستگی علی مرادی به او ابلاغ شد و امضای او از سیستم مدیریتی فدراسیون خارج) کار رئیس بازنشسته و غیرقانونی وزنه‌برداری یکسره می‌شد و بلافاصله مسئولان ورزش برای فدراسیون وزنه‌برداری سرپرست موقت تعیین می‌کردند تا مجدداً انتخابات برگزار شده و رئیس جدید این فدراسیون سکان هدایت این مجموعه را در دست می‌گرفت، دیگر این همه حاشیه، بحران و مشکلات ریز و درشت گریبان وزنه‌برداری را نمی‌گرفت. تا این حد که در شرایط فعلی کار برای وزنه‌برداری به جایی برسد که یکی از پرافتخارترین فدراسیون‌های ورزش کشور را بین رشته‌های ورزشی دیگر اینچنین منزوی ببینیم و بحران‌زده! اگرچه خیلی دیر شده اما همین حالا هم اگر مجموعه مدیریتی بالادستی ورزش دست به کار شود و برای ایجاد تغییرات اساسی در وزنه‌برداری ایران آستین بالا بزنند، باز هم می‌شود حال وزنه‌برداری را با تحول و تزریق خونی تازه در رگ‌های این رشته بازسازی کرد و به شرایط خوب قبل بازگرداند.

وزنه‌برداران رودرروی مرادی

مشکلات ریز و درشت وزنه‌برداری کم بود، که اعتصاب دسته جمعی وزنه‌برداران ملی‌پوش به خاطر شرایط بد و غیرقابل تحمل کمی و کیفی اردویی و اخراج برخواه سرمربی تیم ملی هم به آن اضافه شد. اتفاقی تلخ که تقریباً تیر خلاص بود بر پیکر نیمه جان و در حال احتضار وزنه‌برداری. علی مرادی نیز به جای اینکه درد وزنه‌برداران را دوا کند با تهدید مجدد ملی‌پوشان معترض و جایگزین کردن سعید علی حسینی به جای برخواه به عنوان سرمربی، نمک روی زخمشان پاشید و اوضاع را وخیم‌تر از قبل کرد. با این خیال که شاید بتواند با این ترفند، معترضین را به اردو بازگرداند! اما نه تنها در اردوی گلستان معترضین ملی‌پوش اردو را تحریم کرده و در آن حضور نیافتند، بلکه شنیده می‌شود سعید علی حسینی هم گفته تا زمانی که قراردادش امضا نشود به هیچ وجه در اردوی تیم ملی بزرگسالان حاضر نخواهد شد! حالا به این شرایط اسفبار و مبهم وزنه‌برداری، ماجرای ابطال انتخابات و رأی تجدید نظر دیوان را هم اضافه کنیم، می‌بینیم که وزنه‌برداری ایران در چه وضع نابسامانی به سر می‌برد، اوضاع خرابی که هیچ اراده و عزمی هم برای تحول، ترمیم و بازسازی آن احساس نمی‌شود.

کم لطفی به جدی‌ترین شانس کسب کرسی در وزنه‌برداری

خلع سلاح «بیرانوند» در مسیر انتخابات جهانی

در شرایطی که بعد از چند مرتبه تعویق انتخابات جهانی وزنه‌برداری، سرانجام قرار بر این شد که این مجمع مهم و تعیین‌کننده جهانی طی روزهای چهارم و پنجم تیرماه جاری در کشور آلبانی برگزار شود، شنیده می‌شود از بین سه نامزد ایرانی (علی مرادی، محسن بیرانوند و سیدعلیرضا قریشی) تأیید صلاحیت شده برای حضور در مجمع انتخاباتی جهانی وزنه‌برداری، فقط شرایط اعزام و حضور مرادی و قریشی در این مجمع فراهم شده و محسن بیرانوند که بی‌تردید جدی‌ترین شانس ما برای کسب کرسی جهانی در این مجمع انتخاباتی است مورد کم لطفی و بی‌مهری قرار گرفته است!

سرانجام پس از مدت‌ها انتظار قرار است مجمع انتخاباتی فدراسیون جهانی وزنه‌برداری طی روزهای ۲۵ و ۲۶ ژوئن (۴ و ۵ تیرماه ۱۴۰۱) در تیرانای آلبانی برگزار شود. از فدراسیون وزنه‌برداری ایران نیز در این مجمع انتخاباتی جهانی به ترتیب علی مرادی در انتخابات ریاست، دبیرکلی، نایب رئیسی و هیأت رئیسه کاندیدا شده است و محسن بیرانوند، دبیر فدراسیون ایران نیز برای کمیته مربیان که در دوره قبلی هم در آن عضویت مؤثر داشت، کاندیدا شد و تأییدیه گرفت. همچنین سیدعلیرضا قریشی برای عضویت در کمیته فنی ثبت‌نام کرد که او نیز تأییدیه لازم را دریافت کرده است. اما فارغ از مباحث حاشیه‌ای مطرح در این خصوص، قطعاً مهم‌ترین ماجرا در این مورد، حالا که چند روز بیشتر تا زمان اعزام نفرات مذکور به کشور آلبانی، میزبان مجمع انتخاباتی فدراسیون جهانی وزنه‌برداری باقی نمانده است، ماجرای تلخ کم لطفی و بی‌مهری به «محسن بیرانوند» دبیر فدراسیون وزنه‌برداری پیش آمده است. شنیده‌ها حاکی از آن است که مرادی فقط برای خودش و قریشی درخواست ویزا و بلیت اعزام به این مجمع را داده است! اما هیچ اقدام مثبتی در راستای اعزام بیرانوند به این مجمع حداقل تا این لحظه صورت نگرفته است! محسن بیرانوند (با توجه به حضور موفق و تأثیرگذار او در دوره قبلی در فدراسیون جهانی) قطعاً در شرایط فعلی جدی‌ترین گزینه وزنه‌برداری ایران برای انتخاب مجدد در مجمع انتخاباتی جهانی وزنه‌برداری است. بنابراین چرا او هم مثل داود باقری مورد غضب علی مرادی واقع شده و با کم‌لطفی برای شرکت در انتخابات جهانی وزنه‌برداری تقریباً همه جوره خلع سلاح شده است؟ سؤال مهمی است که باید علی مرادی پاسخگوی آن باشد. مطمئناً اگر به هر دلیلی بیرانوند از حضور در مجمع انتخاباتی جهانی حذف شود، ما دانسته و وعمداً یک کرسی صد درصدی جهانی خود را با خودزنی از دست دادیم. و مقصر اصلی آن نیز علی مرادی است که کل تصمیمات با نظر او در مجموعه وزنه‌برداری در دستور کار قرار می‌گیرد. البته شنیده می‌شود که بیرانوند به صورت آنلاین برای شرکت در مجمع تقاضا داده است و به احتمال زیاد او به این شکل در انتخابات جهانی شرکت می‌کند، البته اگر این فضا نیز عمداً از او سلب نشود.

فوتبال؛ سرگردان در حاشیه‌ها

یکی از بدترین فدراسیون‌های ورزشی در حال حاضر فوتبال است که نماد به هم ریختگی در ورزش ایران است. فدراسیونی که با سرپرست اداره می‌شود و قرار است انتخاباتش برگزار شود. با وجود این ۵ ماه دیگر تیم ملی فوتبال باید در جام جهانی حضور داشته باشد؛ آن هم در شرایطی که هیچ برنامه‌ریزی در این فدراسیون برای تیم ملی دیده نمی‌شود. این بلاتکلیفی‌ها که شاید از زمان برکناری شهاب‌الدین عزیزی خادم اوج گرفته تأثیر زیادی روی تیم ملی فوتبال گذاشته است. تیم ملی فوتبال در این بین قربانی اتفاقات اخیر شده و بیشترین ضربه را از این بابت خورده است. عزیزی خادم ابتدا با نظر هیأت رئیسه و بعد هم با رأی مجمع رسماً کنار گذاشته شد تا در سال حضور در جام جهانی فدراسیون فوتبال بلاتکلیف باشد اما این بلاتکلیفی هزینه زیادی را خواهد داشت. فدراسیون با سرپرست اداره می‌شود و حالا در ۵ ماه مانده به برگزاری جام جهانی این تیم بدترین شرایط آماده‌سازی را سپری می‌کند. سرمربی تیم در اگان اسکوچیچ است اما در بدترین شرایط ممکن قرار دارد؛ هر روز یک نام برای صندلی سرمربیگری تیم ملی مطرح می‌شود که مهم‌ترین آن هم کارلوس کی‌روش است. اسکوچیچ هر روز تا مرز برکناری پیش می‌رود و در این بین سرپرستی که از خودش اختیاری هم ندارد، توان حمایت قاطعانه از او را ندارد. تیم‌های راه یافته به جام جهانی فوتبال در حال آماده‌سازی خود هستند اما بازی‌های تدارکاتی تیم ملی ایران در بدترین شرایط خود قرار دارد. بعد از لغو چند مسابقه دوستانه یک دیدار با تیم دوم الجزایر برگزار شد که البته این مسابقه هم بیشتر مشکلات نهان تیم را عیان کرد تا حاشیه‌ها افزایش پیدا کند. هر چند که قبل از این تیم ملی امید هم با هدایت مهدی مهدوی‌کیا تقریباً با همین شرایطی که تیم اسکوچیچ در حال حاضر دارد راهی رقابت‌های امیدهای قهرمانی آسیا شد و در نهایت هم که نتیجه مشخص بود؛ دو مساوی با قطر و ازبکستان و یک شکست با ترکمنستان افتضاحی بود که در رده امیدها به وجود آمد. در جام جهانی بازی با انگلیس، ولز و امریکا حتماً نتیجه بدتری را به وجود می‌آورد.

رئیس مغضوب

در کنار فدراسیون‌هایی که اوضاع‌شان مشخص است و در این صفحه خیلی کوتاه به آنها اشاره شده، برخی موضوعات باعث شده تعدادی از فدراسیون‌های دیگر هم در آستانه خروج از آرامش باشند. یکی از این فدراسیون‌ها ووشو است. این فدراسیون در حالی کارش را دنبال می‌کند که برخی ماجراها باعث دلخوری تعدادی از مدیران وزارت ورزش از رئیس این فدراسیون شده است. البته حاشیه‌های پیش از انتخابات کمیته ملی المپیک هم مزید بر علت شده تا رئیس این فدراسیون مغضوب برخی مدیران باشد. تا جایی که عده‌ای دنبال این هستند رئیس فدراسیون ووشو استعفا دهد. این تلاش در شرایطی صورت گرفته که به نظر می‌رسد در این بلبشو ورزش، بهتر است طوری مدیریت شود که فدراسیون دیگری به سمت بلاتکلیفی نرود.

رفتنی، مثل رئیس دوومیدانی

یکی دیگر از فدراسیون‌هایی که وضعیتی شبیه ووشو دارد، دوومیدانی است، البته با حال و هوایی متفاوت. حواشی مجمع سوم خردادماه کمیته ملی المپیک بخوبی رابطه وزیر ورزش با رئیس فدراسیون دوومیدانی را نشان داد اگرچه همه حرف در همان چند ثانیه ویدیو خلاصه نمی‌شود. مدتی است از اهالی دوومیدانی شنیده می‌شود که با برخی افراد برای سرپرستی فدراسیون دوومیدانی صحبت شده و عده‌ای به دنبال استعفای رئیس فدراسیون هستند. هنوز مشخص نیست به طور قطع چه اتفاقی می‌افتد اما همین حرف و حدیث‌ها کافی است تا رئیس فدراسیون خودش را رفتنی بداند و اهالی فدراسیون هم حرفش را نخوانند.